خبر

فروش بنزین در جایگاه‌های عرضه مسکو محدود شد

تأمین کنندگان سوخت از محدودشدن فروش بنزین در جایگاه‌های عرضه مسکو به دلیل کمبود این فرآورده خبر دادند. به گزارش ایلنا از خبرگزاری رویترز، به گفته شاهدان رویترز و تأمین کنندگان، جایگاه‌های عرضه در مسکو به دلیل کمبود سوخت ناشی از حمله‌های پهپادی اوکراین به پالایشگاه‌های این کشور و افزایش تقاضای فصلی، محدودیت‌هایی را برای خرید بنزین اعمال کرده‌اند. کمبود سوخت در روسیه در ماه مه رو به افزایش رفت و تا ژوئیه به اکثر مناطق این کشور گسترش یافت، اما جایگاه‌های عرضه بنزین در مسکو توانستند موج قبلی کمبود را در ماه ژوئن تعدیل کنند. تعدادی از پالایشگاه‌های بزرگ روسیه در ماه‌های اخیر هدف حمله‌های پهپادی اوکراین قرار گرفته‌اند که کاهش فرآوری نفتی و افت تولید سوخت و صادرات این کشور را به همراه داشته است. مقام‌های روسی به‌منظور افزایش عرضه در داخل کشور اقدام‌هایی را انجام داده‌اند که می‌توان به ممنوعیت صادرات بنزین و گازوئیل، کاهش الزام‌های مربوط به کیفیت سوخت و آغاز واردات فرآورده‌های نفتی اشاره کرد. شاهدان رویترز همچنین گفتند که صف‌های طولانی در برخی از جایگاه‌های عرضه بنزین در مسکو و مناطق اطراف آن دیده می‌شود. در همین حال، یکی از اپراتورهای خط ویژه مشتریان در شرکت گازپروم نفت اعلام کرد که فروش بنزین و گازوئیل در جایگاه‌های عرضه خودکار این شرکت در مسکو به ۴۰ لیتر برای هر مشتری محدود شده است. در دیگر جایگاه‌های عرضه شرکت گازپروم نفت، فروش گازوئیل بدون محدودیت ادامه دارد، در حالی که خرید بنزین به ۶۰ لیتر برای هر وسیله نقلیه محدود شده است. شرکت روس نفت هم اعلام کرد که فروش بنزین در تمام جایگاه‌های عرضه این شرکت در سراسر روسیه به ۳۰ لیتر برای هر وسیله نقلیه محدود شده است، در حالی که فروش گازوئیل با هیچ محدودیتی روبرو نیست. این شرکت همچنین مشتریان خود را درباره زمان انتظار طولانی‌تر در جایگاه‌ها به دلیل افزایش تقاضا مطلع کرد. در همین حال، شرکت لوک اویل روسیه اعلام کرد که به دلیل افزایش تقاضا، اجرای تعمیرات برنامه‌ریزی نشده پالایشگاه و لزوم اطمینان از عملیات پایدار در جایگاه‌های عرضه خود، محدودیت‌هایی را برای فروش سوخت در مسکو و منطقه اطراف آن اعمال کرده است.

ادامه از صفحه اول

ارزش دلاری بورس در محاصره ریسک‌های سیستماتیک

با این حال، نکته امیدوارکننده آن است که اکثر شرکت‌ها نه تنها حاشیه سود خود را از دست نداده‌اند، بلکه در برخی صنایع مانند گروه غذایی، شاهد بهبود حاشیه سود نیز بوده‌ایم. این موضوع نشان می‌دهد که افزایش فروش صرفاً در حد رشد عددی باقی نمانده و در بسیاری از موارد به رشد سودآوری نیز تبدیل شده است. البته همه صنایع به یک اندازه از این وضعیت منتفع نشده‌اند. برخی گروه‌ها مانند دارویی و لوازم خانگی در سه ماهه نخست سال عملکرد ضعیف‌تری ثبت کرده‌اند که بخشی از آن مستقیما به آثار جنگ و تعطیلی‌های تحمیلی بر فعالیت بنگاه‌ها بازمی‌گردد. در چنین صنایعی، اختلال در زنجیره تامین، کاهش فروش فصلی و افت تقاضا، بیش از سایر بخش‌ها خود را نشان داده است. این تفاوت عملکرد بار دیگر ثابت می‌کند که اقتصاد ایران یکدست نیست و اثر ریسک‌ها به صورت نامتقارن میان صنایع توزیع می‌شود. در جمع‌بندی می‌توان گفت پایین بودن ارزش دلاری بورس، نه پدیده‌ای عجیب است و نه صرفا نشانه ضعف درونی بازار. این وضعیت بیشتر محصول یک اقتصاد پرریسک، سرمایه‌گذاری محتاط، شوک‌های سیاسی-امنیتی و نوسانات شدید متغیرهای کلان است. از این منظر، اگر ریسک‌های سیستماتیک کاهش یابد، بازار سرمایه ظرفیت آن را دارد که به سرعت ارزش دلاری خود را بازسازی کند. اما تا زمانی که نااطمینانی‌ها پابرجاست، انتظار جهش پایدار در ارزش دلاری بورس، بدون اصلاح بسترهای بنیادی اقتصاد، چندان واقع‌بینانه نخواهد بود.

دولت نمره قبولی می‌گیرد

در حوزه اقتصاد نیز نیاز به این بازنگری بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. مردم انتظار ندارند دولت معجزه کند، اما انتظار دارند تصمیم‌هایش هماهنگ، دقیق و متناسب با واقعیت‌های زندگی آنها باشد. وقتی تورم، نوسان بازار و فشار هزینه‌های معیشتی، زندگی طبقات مختلف را تحت تاثیر قرار داده، کوچک‌ترین خطا در تیم اقتصادی می‌تواند اعتماد عمومی را فرسوده کند. از این رو، دولت اگر می‌خواهد کارنامه‌اش در هفته دولت بانگاه مثبت‌تری دیده شود، باید از سطح شعار عبور کند و به اصلاحات ملموس برسد. یکی از مهم‌ترین معیارهای سنجش کارآمدی دولت، میزان توجه آن به شأن و تاب‌آوری مردم است. ملت ایران در سال‌های اخیر بار سنگینی از فشارها را تحمل کرده‌اند و همین تاب‌آوری، سرمایه اصلی کشور است. دولت باید بداند که این سرمایه اجتماعی، با تکرار وعده‌ها حفظ نمی‌شود، بلکه با تصمیم‌های درست، شفافیت و جدیت در اصلاح امور تقویت می‌شود. اگر مردم احساس کنند دولت فقط به گزارش‌خوانی بسنده مردم احساس کنند دولت فقط به گزارش‌خوانی بسنده فاصله میان جامعه و دولت افزایش خواهد یافت. به همین دلیل، هفته دولت باید بیش از هر چیز، زمان صداقت در ارزیابی باشد. دولت چهاردهم در برخی عرصه‌ها، به ویژه در حوزه دیپلماسی و حفظ ثبات، دستاوردهایی داشته و نمی‌توان آنها را نادیده گرفت، اما این دستاوردها زمانی ارزشمندتر می‌شوند که دولت همزمان نشان دهد در برابر ضعف‌ها منفعل نیست و آماده ترمیم ساختار اجرایی خود است. در واقع، دولت موفق دولتی است که هم بتواند از خود دفاع کند و هم از اصلاح خود نترسد.

چرا باید اتاق‌های بازرگانی را جدی گرفت؟!

(«اقداماتی را اعمال خواهیم کرد که در تاریخ انزوای اقتصادی یک کشور تاکنون سابقه نداشته است»- رسانه‌ها- ۵/۲۳) می‌تواند بسیار سرنوشت‌ساز باشد. اکنون به نظر این نهاد اصلی بخش خصوصی باید تعارفات را کنار گذاشته و با زبانی کارشناسانه، اما صریح و بی‌پرده بر ضرورت حیاتی تفاهم و توافق به جای تضاد و تقابل با جامعه جهانی تاکید کند. مسیری که به تقویت بنگاهای متکی به دانش و خلاقیت و قدرت‌گیری نهادهای نمایندگی‌کننده آن در پرتو منافع ملی می‌انجامد و نه مسیری که به تقویت تیولداری دولتی یا الیگارشی اقتصادی و صنعتی ختم می‌شود که چنین مباد!

«تعادل» از ناترازی انرژی پشت دیوارهای فرسوده گزارش می‌دهد

نسخه زمستانی برای بحران گاز

گلناز پرتوی‌مهر |

چرا پیش از افزایش قیمت گاز و توسعه شتاب‌زده تولید، باید به سراغ خانه‌ها، موتورخانه‌ها و تجهیزات فرسوده رفت؟

با نزدیک شدن به فصل سرما، بار دیگر مساله ناترازی انرژی به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کشور تبدیل می‌شود؛ مساله‌ای که دیگر نمی‌توان آن را تنها به کمبود گاز در روزهای سرد یا افزایش مصرف برق در تابستان محدود کرد. ناترازی انرژی اکنون به یک بحران زنجیره‌ای تبدیل شده است؛ بحرانی که از بخش تولید گاز آغاز می‌شود، به نیروگاه‌ها و صنایع می‌رسد و در نهایت بر اشتغال، تولید، درآمد خانوار و حتی کیفیت زندگی مردم اثر می‌گذارد.

تجربه زمستان گذشته نشان داد که هر گونه اختلال در تأمین گاز، به سرعت آثار خود را در دیگر بخش‌های اقتصاد آشکار می‌کند. محدودیت گاز صنایع، کاهش سوخت‌رسانی به نیروگاه‌ها، استفاده بیشتر از سوخت‌های مایع و افت توان تولید، تنها بخشی از پیامدهایی است که در زمان اوج مصرف ظاهر می‌شود. برآوردها از احتمال رسیدن ناترازی گاز به حدود ۳۵۰ میلیون مترمکعب در روزهای اوج سرما حکایت دارد؛ رقمی که نشان می‌دهد نمی‌توان با راهکارهای کوتاه‌مدت و مقطعی، مساله‌ای با این ابعاد را مدیریت کرد. افزایش تولید گاز همچنان ضرورتی انکارناپذیر است، اما واقعیت این است که توسعه میدان‌های گازی، احداث تأسیسات جدید و افزایش ظرفیت تولید، به زمان و سرمایه‌گذاری گسترده نیاز دارد. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت در فاصله کوتاه باقی‌مانده تا فصل سرد، صدها میلیون مترمکعب به تولید کشور افزوده شود. در چنین شرایطی، منطقی‌ترین راهکار آن است که پیش از آنکه به دنبال تولید بیشتر باشیم، بخشی از انرژی موجود را که در ساختمان‌ها و تجهیزات فرسوده هدر می‌رود، بازیابی کنیم.

یکی از خطاهای رایج در تحلیل مصرف انرژی، پیوند زدن مستقیم مصرف بالا با درآمد بالا است. بر اساس این نگاه، خانوارهای پردرآمد به دلیل برخورداری از خانه‌های بزرگ‌تر، ویلا، استخر و تجهیزات بیشتر، عامل اصلی افزایش مصرف گاز شناخته می‌شوند. این برداشت اگرچه در برخی موارد مصداق دارد، اما همه واقعیت را توضیح نمی‌دهد.

مصرف انرژی تنها به تعداد اعضای خانوار یا اندازه ساختمان وابسته نیست؛ کیفیت ساخت‌وساز، میزان عایق‌بندی، نوع پنجره‌ها، بازده وسایل گرمایشی، وضعیت موتورخانه و حتی محل جغرافیایی ساختمان نیز در میزان مصرف نقش تعیین‌کننده دارند. یک واحد مسکونی کوچک در ساختمانی قدیمی و بدون عایق ممکن است برای تأمین گرمای مطلوب، انرژی بیشتری از یک خانه بزرگ‌تر اما استاندارد مصرف کند. به همین دلیل، گاهی خانوارهای کم‌درآمد به ازای هر مترمربع زیربنا، مصرف بیشتری دارند. این خانوارها معمولاً در ساختمان‌های قدیمی‌تر سکونت دارند و توان مالی لازم برای تعویض بخاری، اصلاح موتورخانه، نصب پنجره‌های استاندارد یا عایق‌کاری دیوارها و سقف را ندارند. بنابراین پرمصرفی آنها نه از رفاه بیشتر، بلکه از ناکارآمدی تجهیزات و ساختمان ناشی می‌شود. این واقعیت، سیاست‌گذاری در حوزه انرژی را با یک ضرورت مهم روبرو می‌کند: نمی‌توان صرفاً با افزایش قیمت، همه مصرف‌کنندگان را به کاهش مصرف وادار کرد. افزایش ناگهانی تعرفه برای خانواری که در خانه‌ای فرسوده و با وسیله‌ای کم‌بازده زندگی می‌کند، الزاماً به کاهش مصرف منجر نمی‌شود. چنین اقدامی ممکن است تنها هزینه قبض را افزایش دهد، بدون آنکه امکان واقعی برای اصلاح الگوی مصرف در اختیار خانوار قرار گرفته باشد.

اصلاح قیمت انرژی در بلندمدت اجتناب‌ناپذیر است، اما این اصلاح باید تدریجی، پلکانی و همراه با فراهم کردن امکان کاهش مصرف باشد. قیمت می‌تواند رفتار مصرف‌کننده را تغییر دهد، اما زمانی موثر خواهد بود که مصرف‌کننده ابزار لازم برای واکنش به این تغییر را داشته باشد. اگر یک خانوار امکان تعویض وسیله گرمایشی یا عایق‌کاری خانه خود را نداشته باشد، افزایش قیمت گاز عملاً نقش مالیات پیدا می‌کند، نه ابزار مدیریت مصرف. از این منظر، سیاست صحیح باید ابتدا به کاهش مصرف از مسیر اصلاح تجهیزات و ساختمان کمک کند و سپس قیمت را به‌تدریج به سطحی برساند که انگیزه اقتصادی برای صرفه‌جویی ایجاد شود. در این میان، طرح‌هایی مانند «کارور گاز» می‌توانند نقش مهمی در تغییر رویکرد کشور از توصیه‌های عمومی به سرمایه‌گذاری واقعی در بهینه‌سازی داشته باشند. در این مدل، شرکت یا سرمایه‌گذار، تجهیزات پرمصرف را شناسایی و با تأمین مالی خود نسبت به تعویض یا بهسازی آنها اقدام می‌کند. هزینه اولیه از مشترک دریافت نمی‌شود و سرمایه‌گذار از محل گاز صرفه‌جویی‌شده و گواهی‌های مربوط به آن، بازگشت سرمایه خود را دنبال می‌کند.

این سازوکار، بهینه‌سازی را از یک وظیفه اخلاقی و توصیه عمومی به یک فعالیت اقتصادی تبدیل می‌کند. در چنین مدلی، خانوار به تجهیزات مناسب‌تر دسترسی پیدا می‌کند، سرمایه‌گذار از محل صرفه‌جویی درآمد به دست می‌آورد و شبکه انرژی نیز در روزهای اوج مصرف با فشار کمتری مواجه می‌شود. به بیان دیگر، به جای آنکه مردم تنها به خاموش کردن بخشی از وسایل یا کاهش دمای خانه دعوت شوند، خود تجهیزات و زیرساخت مصرف اصلاح می‌شود.

برای عبور از زمستان پیش‌رو، لازم نیست همه ساختمان‌های کشور به‌طور هم‌زمان نوسازی شوند. می‌توان با یک برنامه هدفمند، پرمصرف‌ترین و ناکارآمدترین نقاط را شناسایی کرد. موتورخانه‌های قدیمی، بخاری‌های کم‌بازده، ساختمان‌های فاقد عایق و مراکز عمومی بزرگ، از جمله نقاطی هستند که اصلاح آنها می‌تواند در مدت کوتاه، صرفه‌جویی قابل توجهی ایجاد کند. اولویت دادن به ساختمان‌های دهک‌های پایین درآمدی نیز اهمیت زیادی دارد. این اقدام علاوه بر کاهش مصرف گاز، از فشار هزینه‌ای بر خانوارها می‌کاهد و عدالت انرژی را تقویت می‌کند. همچنین اصلاح موتورخانه‌ها در مجتمع‌های مسکونی، مدارس، بیمارستان‌ها، ادارات و مراکز تجاری می‌تواند بدون تغییر جدی در رفتار روزمره مردم، میزان مصرف را کاهش دهد.

در کنار این اقدامات، نصب سامانه‌های هوشمند کنترل دما، استانداردسازی وسایل گرمایشی، توسعه پنجره‌های دوجداره و عایق‌کاری سقف و دیوارها باید از حالت پروژه‌های محدود و پراکنده خارج شود و در قالب یک برنامه ملی دنبال شود. مهم‌تر از همه، اجرای این برنامه باید قابل اندازه‌گیری باشد؛ یعنی میزان صرفه‌جویی، هزینه هر پروژه و زمان بازگشت سرمایه به‌صورت شفاف ثبت و ارزیابی شود.

ناترازی انرژی با یک راهکار واحد حل نمی‌شود. افزایش تولید، اصلاح قیمت، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، بهبود راندمان نیروگاه‌ها، کاهش وابستگی به گاز و تغییر رفتار مصرف‌کنندگان، همگی بخشی از یک بسته سیاستی هستند. با این حال، در کوتاه‌مدت، بهینه‌سازی مصرف سریع‌ترین و کم‌هزینه‌ترین مسیر برای کاهش فشار بر شبکه است. هر مترمکعب گازی که در یک موتورخانه فرسوده هدر می‌رود، می‌تواند در نیروگاه، صنعت یا بخش مولد اقتصاد مورد استفاده قرار گیرد. صرفه‌جویی در اینجا به معنای محرومیت یا کاهش رفاه نیست؛ بلکه به معنای تولید همان میزان آسایش با انرژی کمتر است. این تفاوت مهم باید در سیاست‌گذاری و گفت‌وگوی عمومی مورد توجه قرار گیرد. اکنون زمان تصمیم‌گیری‌های تکراری و واکنش‌های مقطعی نیست. اگر قرار باشد هر سال با آغاز سرما، محدودیت گاز صنایع، مصرف سوخت مایع نیروگاه‌ها و توصیه‌های عمومی به مردم تکرار شود، ناترازی همچنان به عنوان یک بحران دایمی باقی خواهد ماند. اما اگر پیش از رسیدن روزهای سرد، منابع مالی و اجرایی به سمت اصلاح تجهیزات و ساختمان‌های پراتلاف هدایت شود، می‌توان بخشی از گاز هدررفته را به شبکه بازگرداند. زمستان آینده از امروز آغاز می‌شود؛ نه در روزی که دمای هوا کاهش می‌یابد، بلکه از زمانی که درباره نحوه مصرف انرژی تصمیم می‌گیریم. پرسش اصلی این نیست که مردم چگونه کمتر مصرف کنند؛ پرسش دقیق‌تر آن است که چرا باید برای تأمین آسایش معمول، این همه انرژی هدر برود. پاسخ به همین پرسش می‌تواند نخستین گام برای کنترل ناترازی باشد.

قدرت نفتی ایران در تنگه هرمز چگونه معنا پیدا می‌کند؟

ایران فقط با حجم تولید نفت سنجش نمی‌شود؛ ذخایر عظیم، هرمز و زیرساخت صادراتی، وزن ژئوپولیتیک تهران را تعیین می‌کند.

حمید نوبهار، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم، با تشریح جایگاه نفت جمهوری اسلامی ایران در معادلات انرژی جهان گفت: قدرت نفتی ایران را نمی‌توان با حجم تولید روزانه یا میزان صادرات در یک مقطع زمانی سنجید، جایگاه ایران در جغرافیای انرژی جهان حاصل ترکیب ذخایر عظیم هیدروکربوری، سابقه طولانی تولید، ظرفیت توسعه میادین، دسترسی به آب‌های خلیج فارس و مجاورت با تنگه هرمز است؛ آبراهی که پیش از اختلالات سال ۲۰۲۶، یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی جهان بود. وی افزود: بر اساس داده‌های اوپک، ایران در پایان سال ۲۰۲۴ حدود ۲۰۸٫۶ میلیارد بشکه ذخایر اثبات‌شده نفت خام در اختیار داشته است. تولید نفت خام ایران نیز در سال ۲۰۲۴ حدود ۳٫۲۶ میلیون بشکه در روز بوده است که بر جایگاه ویژه ایران از نظر برخورداری از منابع نفتی، صحه می‌گذارد.

این کارشناس اقتصادی تصریح کرد: برای ارزیابی قدرت نفتی جمهوری اسلامی باید بین ذخایر اثبات‌شده نفت، ظرفیت تولید، صادرات بالفعل و ظرفیت اثرگذاری بر بازار تفاوت قائل شد. ذخایر بزرگ به خودی خود قدرت بازار ایجاد نمی‌کند و ظرفیت تولید، امکان انتقال و توان دسترسی به بازار نیز اهمیت شایانی دارد. اداره اطلاعات انرژی امریکا (EIA) برآورد کرده است که ظرفیت تولید نفت خام ایران در صورت رفع محدودیت‌های تحریمی می‌تواند به حدود ۳٫۸ میلیون بشکه در روز بازگردد.

وی ادامه داد: داده‌های EIA همچنین تصریح می‌کند که صادرات نفت خام و میعانات ایران که در سال ۲۰۲۰ حدود ۴۰۰ هزار بشکه در روز بود، در سال ۲۰۲۳ به نزدیک ۱٫۴ میلیون بشکه در روز رسید و در هشت ماه نخست سال ۲۰۲۴ حدود ۱٫۵ میلیون بشکه در روز برآورد شد. چین در سال ۲۰۲۳ مقصد حدود ۹۰ درصد صادرات نفت خام و میعانات ایران بود. آمار مذکور از یک طرف ظرفیت ایران برای حفظ صادرات در شرایط تحریم را نشان می‌دهد و از طرف دیگر اهمیت تنوع بازارهای صادراتی را برای افزایش قدرت مانور نفتی کشور آشکار می‌کند.

نوبهار با اشاره به جایگاه تنگه هرمز گفت: ایران به‌تنهایی تعیین‌کننده قیمت جهانی نفت نیست، اما ظرفیت تولید، ذخایر عظیم و موقعیت جغرافیایی کشور می‌تواند بر توازن عرضه و انتظارات بازار اثر بگذارد، تنگه راهبردی هرمز این اهمیت را افزایش می‌دهد چرا که مسیر انتقال نفت تولیدکنندگان بزرگ خلیج فارس به بازارهای جهانی است.

وی اضافه کرد: بر اساس داده‌های اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده در سال ۲۰۲۳ حدود ۲۰٫۹ میلیون بشکه در روز نفت خام، میعانات و فرآورده‌های نفتی از تنگه هرمز عبور کرده است. از این میزان حدود ۱۴٫۹ میلیون بشکه در روز مربوط به نفت خام و میعانات بوده که معادل بخش بزرگی از تجارت دریایی نفت جهان است و اهمیت اقتصادی هرمز را فراتر از یک آبراه منطقه‌ای قرار می‌دهد.

وی تصریح کرد: موقعیت هرمز باعث شده هرگونه اختلال در تنگه، محاسبات پالایشگاه‌ها، شرکت‌های کشتیرانی، بیمه‌گران، معامله‌گران انرژی و دولت‌های واردکننده نفت را تحت تأثیر قرار دهد.

این کارشناس اقتصاد انرژی ادامه داد: قدرت نفتی کشور در مرزهای چاه نفت متوقف نمی‌شود. نفت ایران بخشی از شبکه تولید، ذخیره‌سازی، پایانه‌های صادراتی، خطوط انتقال، ناوگان حمل، پالایشگاه‌های مقصد و نظام مالی است، هرچه این شبکه انعطاف‌پذیرتر باشد، توان ایران برای استفاده اقتصادی از ذخایر خود نیز بیشتر خواهد شد، به همین دلیل توسعه پایانه‌های صادراتی خارج از محدوده هرمز، افزایش ظرفیت ذخیره‌سازی، تنوع مشتریان و تقویت زیرساخت‌های انتقال انرژی، اهمیت راهبردی دارد.

وی با اشاره به پروژه جاسک گفت: کشور برای کاهش آسیب‌پذیری صادرات نفت در برابر محدودیت‌های مسیر هرمز، زیرساخت صادراتی جاسک و خط لوله گوره ـ جاسک را توسعه داده است که ظرفیت اسمی این خط حدود یک میلیون بشکه در روز برآورد می‌شود، همچنین ظرفیت پایانه‌های بارگیری نفت ایران بیش از ۸ میلیون بشکه در روز برآورد شده که بیانگر وجود ظرفیت زیرساختی قابل توجه در صنعت نفت کشور است. وی درباره وابستگی صادرات ایران به چین گفت: بازار چین برای نفت ایران اهمیت بسیار بالایی دارد، اما تنوع مشتریان می‌تواند ریسک تمرکز بازار را کاهش دهد. بر اساس گزارش رویترز در ۲۱ اوت ۲۰۲۶، صادرات نفت ایران به خریداران چینی در همان ماه به حدود ۵۳۴ هزار بشکه در روز رسیده و کاهش ذخایر نفتی روی آب از حدود ۱۰۵ میلیون بشکه به ۸۰ میلیون بشکه را نیز گزارش کرده است.

این کارشناس اقتصادی افزود: امنیت انرژی (Energy Security) در معادلات مذکور اهمیت ویژه‌ای دارد. کشوری که منابع نفتی در اختیار دارد، اما مسیر انتقال، ظرفیت صادرات یا بازارهای متنوع ندارد، نمی‌تواند از تمام ظرفیت اقتصادی منابع خود استفاده کند، ایران از این نظر موقعیتی متفاوت دارد؛ ذخایر عظیم نفت، تولید قابل توجه، بازارهای آسیایی، دسترسی به خلیج فارس و توسعه مسیرهای صادراتی جایگزین، مجموعه‌ای از ظرفیت‌های مرتبط را تشکیل می‌دهند.

وی تأکید کرد: توسعه میادین مشترک نیز باید بخشی از سیاست قدرت نفتی ایران باشد. افزایش برداشت از میدان‌های مشترک، توسعه زیرساخت فرآورش و جمع‌آوری گازهای همراه، هم به افزایش تولید کمک می‌کند و هم از اتلاف منابع جلوگیری خواهد کرد. صیانت از سهم ایران در میادین مشترک حائز اهمیت است چرا که هر مقدار تولید از دست رفته در این میادین می‌تواند به کاهش سهم اقتصادی کشور از یک منبع مشترک منجر شود. این کارشناس اقتصاد انرژی گفت: نفت ایران از همان زاویه هم یک ابزار ژئوپولیتیک است، اما قدرت آن به حجم ذخایر محدود نمی‌شود. ترکیب ۲۰۸٫۶ میلیارد بشکه ذخایر اثبات‌شده، تولید حدود ۳٫۲۶ میلیون بشکه نفت خام در روز در سال ۲۰۲۴، ظرفیت بالقوه ۳٫۸ میلیون بشکه در روز، صادرات حدود ۱٫۵ میلیون بشکه در روز در هشت ماه نخست ۲۰۲۴ و موقعیت جغرافیایی در مجاورت هرمز، مجموعه‌ای از ظرفیت‌های قدرت‌آفرین را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار داده است.

وی اضافه کرد: سیاست نفتی کشور باید بر تبدیل ذخیره نفت به قدرت پایدار نفتی متمرکز باشد بدان معنا که هر بشکه نفت تولیدشده بخشی از سیاست افزایش ظرفیت تولید، تنوع بازار، تقویت زیرساخت صادرات، توسعه پالایش و ایجاد درآمد ارزی پایدار باشد. توجه دولت و وزارت نفت در سال ۱۴۰۵ به استمرار تولید، بازسازی تأسیسات، توسعه ظرفیت تولید و پیگیری میادین مشترک در این مسیر قابل تقدیر است. آنچه در صنعت نفت ایران اهمیت دارد، صیانت از یکی از مهم‌ترین پایه‌های قدرت اقتصادی و ژئوپلیتیک کشور است.

وی خاطرنشان کرد: هرگاه نفت ایران از منبع درآمد به شبکه قدرتمند تولید، سرمایه‌گذاری، صادرات، پالایش، ذخیره‌سازی و دیپلماسی انرژی تبدیل شود، جایگاه کشور در معادلات جهانی نیز مستحکم‌تر خواهد شد، هرمز در این معادله گرهی است که نفت ایران، امنیت انرژی آسیا و اقتصاد جهانی را به یکدیگر متصل می‌کند، همین پیوند است که به نفت ایران ارزش ژئوپولیتیکی می‌دهد و صیانت از ظرفیت نفتی کشور را به یک اولویت اقتصادی و ملی تبدیل می‌کند.

طرح جدید برای جبران ناترازی بنزین

عضو کمیسیون اقتصادی در نامه‌ای به پزشکیان، طرح اختلاط متانول و بنزین برای جبران ناترازی سوخت را پیشنهاد کرد.

به گزارش تسنیم، حسین صمصامی، نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در مجلس شورای اسلامی، در نامه‌ای به مسعود پزشکیان، رییس‌جمهور، پیشنهاد «بیشینه‌سازی تولید از طریق به‌کارگیری واحدهای تولید متانول در کشور در طرح اختلاط متانول و افزودنی‌های تثبیت‌کننده» را ارایه کرد. در این نامه با اشاره به تشدید ناترازی بنزین، تأکید شده است که طرح پیشنهادی با هدف عبور از شرایط بحرانی و جلوگیری از تحمیل قیمت‌های سنگین بنزین به مردم ارایه شده است.

بر اساس این پیشنهاد، متوسط مصرف روزانه بنزین کشور به حدود ۱۳۵ میلیون لیتر و در برخی مقاطع به ۱۶۰ میلیون لیتر رسیده، در حالی که ظرفیت پایدار تولید پالایشگاهی حدود ۱۱۳ میلیون لیتر در روز عنوان شده است؛ بنابراین شکافی حدود ۲۳ میلیون لیتر در روز میان مصرف و تولید ایجاد شده است.

در این نامه آمده است که در سال گذشته حدود ۲٫۸ میلیارد دلار برای واردات بنزین، ماده افزاینده MTBE و مقادیری گازوئیل هزینه شده و تداوم این روند علاوه بر مصرف منابع ارزی، امنیت انرژی کشور را با تهدید مواجه می‌کند. صمصامی در بخش دیگری از پیشنهاد خود، ظرفیت تولید متانول کشور را یکی از مزیت‌های قابل استفاده برای مدیریت کوتاه‌مدت ناترازی سوخت دانسته و اعلام کرده است که ایران در حال حاضر حدود ۱۶ میلیون تن ظرفیت اسمی تولید متانول دارد که این ظرفیت در مسیر توسعه می‌تواند به بیش از ۲۳ میلیون تن افزایش یابد. بر اساس این طرح، اختصاص حدود ۳ تا ۵ میلیون تن از تولید متانول به چرخه سوخت می‌تواند زمینه تأمین روزانه حدود ۱۰ تا ۱۷ میلیون لیتر بنزین ترکیبی را فراهم کند؛ البته در نامه تأکید شده که این ظرفیت باید به عنوان «پتانسیل قابل بهره‌برداری مشروط» در نظر گرفته شود و محدودیت‌های فنی، افت ارزش حرارتی، الزامات افزودنی و زیرساخت‌های لازم مورد توجه قرار گیرد.

در این طرح دو سناریوی فنی شامل بنزین M۱۰ و M۱۵ پیشنهاد شده است. در سناریوی M۱۰، بنزین حاوی ۱۰ درصد متانول به عنوان گزینه‌ای محتاطانه‌تر و سریع‌الاجرا با سازگاری بیشتر با ناوگان موجود مطرح شده و M۱۵ نیز به عنوان گزینه‌ای تهاجمی‌تر برای حداکثرسازی صرفه‌جویی ارزی مورد توجه قرار گرفته است. در نامه با اشاره به تجربه کشورهای مختلف، به‌ویژه چین، تأکید شده است که چالش‌های فنی استفاده از متانول از جمله نقطه جوش پایین، تأثیر بر فشار بخار ریدو احتمال دوفازی شدن در حضور رطوبت، با تنظیم ترکیب بنزین پایه و استفاده از افزودنی‌های بازدارنده خوردگی و حلال‌های واسط قابل مدیریت است. در بخش اجرایی پیشنهاد، انعقاد قراردادهای بلندمدت برای خرید متانول گرید مناسب از پتروشیمی‌های داخلی و انتقال آن به مخازن استراتژیک شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی در کلان‌شهرهای درگیر ناترازی از جمله تهران، اصفهان، مشهد و تبریز پیشنهاد شده است.

همچنین احداث و به‌کارگیری ایستگاه‌های «بلندینگ برخط» مجهز به فلومترهای دقیق برای تزریق و اختلاط متانول و بنزین با نسبت مشخص حجمی پیش از بارگیری در تانکرهای توزیع‌کننده، از دیگر اجزای این طرح است.

بر اساس پیشنهاد ارایه‌شده، کنترل کیفیت، جلوگیری از ورود آب، نمونه‌گیری مستمر، کنترل فشار بخار و پایداری فاز و رعایت الزامات ایمنی مرتبط با سمیت و مخاطرات حریق متانول باید در اجرای طرح مورد توجه قرار گیرد. صمصامی همچنین پیشنهاد کرده است پیش از هرگونه اجرای گسترده، طرح در یک فرآیند آزمایشی پنج‌هفته‌ای مورد ارزیابی قرار گیرد.

در این چارچوب، ابتدا فرمولاسیون و آزمون‌های آزمایشگاهی انجام شده و پس از انتخاب خودروهای آزمون، تست میدانی روی ۲۰ خودرو آغاز شود. این خودروها باید تا سقف ۲۰ هزار کیلومتر پیمایش کنند و در هر ۵ هزار کیلومتر، معاینه فنی، بازدید موتور، پایش آلایندگی، کنترل خطاها و ارزیابی عملکرد روی آنها انجام شود. پس از تحلیل نتایج آزمایشگاهی و میدانی و انجام اصلاحات احتمالی در سیستم سوخت‌رسانی یا ترکیب سوخت، اجرای پایلوت شهری یا منطقه‌ای در یکی از شهرهای منتخب پیشنهاد شده است.

در این نامه تأکید شده است که توسعه سراسری طرح منوط به تأیید نتایج آزمون‌های فنی و زیست‌محیطی و ارزیابی پایلوت شهری خواهد بود.

در نهایت، پیشنهاد شده است کارگروهی متشکل از وزارت نفت، وزارت صنعت، معدن و تجارت، سازمان ملی استاندارد و سازمان حفاظت محیط‌زیست، با محوریت شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی، مامور اجرای این طرح شود.

این کارگروه باید در گام نخست فرمولاسیون و آزمون‌های آزمایشگاهی M۱۰ و M۱۵ را نهایی کند، سپس آزمون میدانی مرحله‌ای روی ناوگان منتخب را با پیمایش تا ۲۰ هزار کیلومتر و پایش‌های دوره‌ای انجام دهد و در صورت احراز توفیق فنی، زیست‌محیطی و اجرایی، اجرای پایلوت شهری یا منطقه‌ای بلندینگ برخط را برای تصمیم‌گیری نهایی پیشنهاد کند.

در جمع‌بندی نامه نیز اختلاط متانول با بنزین به عنوان یک راهکار اضطراری برای مدیریت کوتاه‌مدت و میان‌مدت ناترازی سوخت مطرح شده که می‌تواند ضمن کاهش نیاز به واردات فرآورده، بخشی از متانول تولید داخل را به ارزش افزوده سوختی تبدیل کند.

رویداد

وضع مالیات بر سود مازاد شرکت‌های نفتی در اتحادیه اروپا

شش کشور اتحادیه اروپا پیشنهاد وضع مالیات بر سود شرکت‌های نفتی را به دلیل جنگ علیه ایران ارایه دادند.

به گزارش خبرگزاری تسنیم و به نقل از یورونیوز؛ بر اساس پیش‌نویس نامه‌ای که روز شنبه در اختیار خبرگزاری فرانسه قرار گرفت، شش کشور اتحادیه اروپا خواستار وضع مالیات بر سودهای مازاد شرکت‌های نفتی در سراسر این اتحادیه شده‌اند، چرا که سود این شرکت‌ها در پی جنگ در خاورمیانه به‌شدت افزایش یافته است.

وزرای دارایی آلمان، ایتالیا، اتریش، لهستان و پرتغال، به همراه وزیر اقتصاد اسپانیا، نامه‌ای مشترک برای وزیر دارایی ایرلند که کشورش ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را بر عهده دارد ارسال کرده‌اند. در این نامه، از وزیر دارایی ایرلند خواسته شده است که موضوع وضع مالیات جدید را به دستور کار نشست ماه آینده وزرای دارایی اتحادیه اروپا در دوبلین اضافه کند.

در این نامه آمده است: «شرکت‌های نفتی از سودآوری کلی و حاشیه سود قابل توجهی در محصولات پالایش‌شده بهره‌مند شده‌اند که بسیار فراتر از افزایش قیمت نفت خام است. ما در حال تجربه یکی از بزرگ‌ترین شوک‌های عرضه در چند دهه اخیر هستیم و در سراسر جهان، نارضایتی فزاینده‌ای نسبت به افزایش هزینه‌های زندگی وجود دارد.»

امضاکنندگان نامه خواستار بحث درباره «چارچوبی در سراسر اتحادیه اروپا برای مالیات بر سودهای مازاد» شده‌اند و از این بلوک خواسته‌اند که از تجربه مالیات موقت وضع‌شده در سال ۲۰۲۲ - پس از حمله روسیه به اوکراین درس بگیرد.

«لارس کلینگبایل»، وزیر دارایی آلمان، بارها تأکید کرده است که شرکت‌های انرژی نباید در شرایط آشوب